

برقراری ارتباط بین نظریه‌های آموزش یادگیری زبان و تدریس مؤثر

پای صحبت حمیدرضا خدایاری، دبیر زبان انگلیسی

جعفر درّی



حمیدرضا خدایاری از زبان خودش

حمیدرضا خدایاری هشتم و از سال ۱۳۷۴ تاکنون دبیر رسمی زبان انگلیسی منطقه ۱۴ آموزش و پرورش تهران بوده‌ام. مدرک کاردانی دبیری خود را از مرکز تربیت معلم بلال حبشی و مدرک کارشناسی را از واحد جنوب دانشگاه آزاد و کارشناسی ارشد خود در رشته آموزش زبان انگلیسی را در سال ۱۳۷۹ از دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران دریافت کردم. ضمناً با شرکت در آزمون بین‌المللی IELTS موفق به کسب نمره ۸ در این آزمون شده‌ام.

من همواره، در کنار تدریس در مدارس، در مقطع راهنمایی و دبیرستان، مشغول به تدریس در کلاس‌های مختلف زبان عمومی و آمادگی آزمون‌های بین‌المللی و کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌های مختلف نیز بوده‌ام. از سال ۱۳۷۹ تاکنون موفق به تألیف ۱۵ عنوان کتاب در حوزه کتاب‌های کار مدارس و آمادگی برای آزمون ارشد آموزش زبان و واژگان شده‌ام. در کنار این کار، با کمک همکاران خود در آموزش و پرورش، به تولید محتوای الکترونیک در قالب یک بسته آموزشی برای کتاب‌های قدیم و جدید هم اقدام کرده‌ام. علاوه بر این به ویرایش مقالات دانشجویان دکتری جهت چاپ در نشریات خارجی نیز مشغول هستم. از مترجمین داوطلب سایت TED.com هم می‌باشم و سخنرانی‌های این سایت را که با محوریت فناوری هستند ترجمه می‌کنم.

جعفر درّی: به

نظر شما معلم زبان باید از چه

صلاحیت‌های حرفه‌ای برخوردار باشد تا بتواند

در اجرای وظایفش در کلاس موفق شود؟

اولین و مهم‌ترین اصل، آشنایی با نظریه‌های مختلف یادگیری و آموزش است که در دوره‌های تربیت دبیر و دانشگاه به آن‌ها

پرداخته می‌شود. در این حوزه‌ها مطالعه کتاب‌های آقای ریچاردز و داگلاس براون و دیگر اندیشمندان این حوزه، که خوشبختانه به وفور در بازار ایران یافت می‌شود، می‌تواند کمک شایانی به فهم این مباحث بنماید. مقوله بعدی آشنایی با تدریس مهارت‌های چهارگانه زبان به شکل عملی است که معمولاً از طریق شرکت در کلاس‌های کارورزی زیر نظر مدرسین باسابقه و موفق و به‌ویژه مطالعه کتاب‌های کاربردی و سودمند از مدرس - مؤلفانی مانند جرمی هارمر (Jeremy Harmer) و اسکات سورن بری (Scott Thornbury) قابل اکتساب است. برای من خیلی جالب بود زمانی که قصد درخواست برای تدریس در استرالیا از طریق سازمان معلمان آن کشور را داشتم آنچه که در اولویت بود نه مدرک کارشناسی ارشد بنده بود و نه سابقه بیش از بیست سال بنده، بلکه سازمان معلمان استرالیا از من نامه‌ای

رسمی را مطالبه می‌کرد که نشان دهد بنده به مدت شصت ساعت زیر نظر یک معلم باسابقه و مورد تأیید منابع رسمی ایران به امر تدریس مشغول بوده‌ام.

پر واضح است تسلط معلم بر هر زبانی که وی قصد آموزش آن را دارد از اهمیت بسزایی برخوردار است. این موضوع آنچنان برای تدریس در استرالیا مهم است که سازمان معلمان آنجا حاضر نبود تحت هیچ شرایطی هیچ یک از دیگر مدارک کسانی را که نمره ۸ در آیلنس گرفته بودند حتی به‌طور مقدماتی بررسی کند.

صلاحیت آخری که به نظر بنده به هیچ‌وجه از موارد مذکور از اهمیت کمتری برخوردار نیست لزوم آشنایی و تسلط معلم بر فناوری‌های نوین و استفاده از آن‌ها در امر تدریس است که هم باعث سهولت در امر آموزش شده و هم باعث فراگیری مؤثر و صرفه‌جویی در وقت می‌شود.

جعفر درّی: نظر شما در خصوص ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی معلم چیست؟

معلم واقعی کسی است که اگر قصد موفقیت در کار خود را دارد باید خصیصه‌های مثبت بسیاری را در خود ایجاد کند - شادی هم داشته باشد - که این بحث شاید خود چندین ساعت بحث و گفت‌وگو را بطلبد اما به نظر بنده چندین خصوصیت ویژه هست که دارا بودن آن‌ها کمک شایانی به امر تدریس می‌نماید. «صبور بودن» مهم‌ترین اصل در حوزه آموزش است. ما با دانش‌آموزانی سر و کار داریم که یا خودشان توانایی‌های متفاوت دارند و یا زمینه‌های خانوادگی گوناگونی دارند که باعث می‌شود سرعت یادگیری متفاوتی داشته باشند. به همین جهت تنها یک معلم صبور می‌تواند در مقابل سؤال‌های متفاوت این دانش‌آموزان رفتاری مناسب و بجا از خود نشان دهد و در مقابل بی‌نظمی دانش‌آموزان، که عمدتاً به خاطر شرایط سنی آن‌هاست، از کوره در نرود. ویژگی بعدی یک معلم خوب «انعطاف پذیری» است. دانش‌آموزان و به‌طور کلی فراگیران از کلاسی به کلاس دیگر می‌توانند بسیار با هم متفاوت باشند لذا یک معلم باید با درایت و درک شرایط موجود تدریس خود را به‌گونه‌ای تغییر دهد که بیشترین کارایی حاصل شود. دست‌یابی به این امر البته نیازمند تجربه و دقت فراوان است. «وقت‌شناسی» یکی دیگر از خصوصیات است که یک معلم موفق باید واجد آن باشد زیرا این امر نه‌تنها باعث ایجاد نظم در امر آموزش می‌شود بلکه می‌تواند غیرمستقیم به فراگیران بیاموزد که معلم در انجام امر تدریس جدی است و به آن اهمیت می‌دهد.

با توجه به شرایط سنی کسانی که ما معمولاً به آن‌ها درس می‌دهیم و خستگی ناشی از یادگیری نیازمند این است که معلم از «حس شوخ طبعی» برخوردار باشد تا فضای سنگین کلاس را بشکند و انرژی به فضای کلاس تزریق کند. بنده شخصاً تأثیر بسیار مثبت این شوخ طبعی را در کلاس‌های خود تجربه کرده‌ام و شاهد بوده‌ام که چقدر این ویژگی می‌تواند باعث ایجاد

فضای بسیار مناسب یادگیری گردد.

«انتقاد پذیری» نیز لازمه هر کاری است به‌ویژه معلمی که نیاز دارد رفتار آموزشی و کلاسی معلم مرتب مورد بازبینی قرار گیرد. یک معلم اگر بخواهد رشد کند باید همواره راه را برای انتقاد از طرف دانش‌آموزان و همکاران خود باز بگذارد، در غیر این صورت ممکن است در یک سیکل معیوب سال‌ها به تکرار یک روند غلط یا نامناسب گرفتار شود.

خصیصه آخری که قصد دارم به آن اشاره کنم و به هیچ‌وجه اهمیت کمتری از موارد مذکور ندارد برخورداری از «حس هم‌دردی» است. ما در کلاس با دانش‌آموزانی مواجه هستیم که ممکن است مجبور باشند در خارج از کلاس با مشکلاتی دست و پنجه نرم کنند که ما از آن‌ها غافلیم، لذا توجه به مشکلات و عوامل بیرونی، و حتی داخل کلاس، که باعث بی‌توجهی دانش‌آموزان در کلاس می‌گردند نیز می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد رابطه دوستی با دانش‌آموزان داشته باشد و باعث بهبود کیفیت یادگیری گردد.

جعفر درّی: به نظر شما چه عواملی در رشد مهارت‌های حرفه‌ای شما مؤثر بوده‌اند؟

خیلی کوتاه بخواهم خدمتتان عرض کنم مطالعه کتاب‌های مختلف در حوزه آموزش زبان، تدریس در کلاس‌های مختلف و برنامه‌ریزی برای تدریس در این کلاس‌ها، دقت در فعالیت‌های آموزشی همکاران و یادگیری از تجربیات آن‌ها، حضور در کارگاه‌های مربوط به آموزش زبان و بررسی و تجدیدنظر در روش‌های آموزشی خودم در کلاس‌های مختلف و علاقه‌مندی به بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در امر آموزش زبان و تقویت دانش واژگانی و گرامری در حوزه زبان انگلیسی این‌ها مهم‌ترین عوامل می‌باشند.

جعفر درّی: به نظر شما مجله رشد زبان باید چه اهدافی را دنبال کند؟

مجله رشد زبان همان‌گونه که تاکنون تلاش کرده است باید بتواند همان صلاحیت‌هایی را که بنده در ابتدای مصاحبه عرض کردم ارتقا بخشد. چاپ نتایج پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری در حوزه آموزش زبان که به موضوعات عملی و کارآمد برای کلاس پرداخته‌اند در غالب یک یا دو صفحه بدون پرداختن به ریزه‌کاری‌های تحقیق انجام شده مانند تحلیل داده‌ها و یا جمع‌آوری اطلاعات می‌تواند بسیار مفید واقع شود. همچنین پرداختن به تدریس‌های کارآمد و ابداعی که به شکل عملی توسط دبیران در کلاس انجام می‌شود. خوشبختانه افزودن بخش My Contribution که شما مدیریت آن را به عهده دارید، توانسته کمک شایانی به این امر بنماید.

بیان نظریه‌های آموزشی و یادگیری با زبان ساده و به‌گونه‌ای که دبیران بتوانند بین نظریه‌ها و فعالیت‌های عملی تدریس در

کلاس رابطه برقرار کنند.

چاپ ترجمه مقالات از مجلاتی که به شکل عملی به بحث تدریس می‌پردازند مانند English Teaching Professional و بسیاری دیگر از منابع آنلاین نیز می‌تواند به ارتقای کیفیت مطالب مجله کمک کند.

چاپ مطالبی که مشخصاً باعث ارتقای سطح واژگانی و گرامری دبیران برای تدریس کتاب‌های جدید می‌شود و ارائه مطالب اضافی مرتبط با هر درس در کتب جدید و ایجاد ارتباط با دبیران و ارائه مطالب مفید تدریس از طریق شبکه‌های اجتماعی، معرفی نرم‌افزارهای تحت ویندوز و اندروید که می‌توانند در امر آموزش مفید واقع شوند و ارائه محتوای الکترونیک مناسب برای کلاس در قالب سی‌دی و یا قابل دانلود در سایت یا کانال مجله از دیگر مواردی است که بی‌شک کمک شایانی به ارتقا سطح مجله و ترغیب دبیران به خواندن مطالب آن خواهد نمود.

جعفر درّی: چه بخش‌هایی از مجله را مفید ارزیابی می‌کنید؟

My Contribution, English Through Fun و چاپ

مقالاتی که جنبه کاربردی برای کلاس دارند.

جعفر درّی: به نظر شما در مجله رشد زبان به چه

زمینه‌هایی بیشتر و چه زمینه‌هایی کمتر پرداخته می‌شود یا شده است؟

به نظر می‌رسد باید به موارد کاربردی برای کلاس که در ضمن از زبان علمی ثقیل نیز برخوردار نباشند بیشتر پرداخته شود و همچنین به نقش رسانه و فناوری و آموزش چگونگی استفاده از آن‌ها در کلاس توجه ویژه‌ای گردد.

«صبور بودن» مهم‌ترین اصل در حوزه آموزش است. ما با دانش‌آموزانی سر و کار داریم که یا خودشان توانایی‌های متفاوت دارند و یا زمینه‌های خانوادگی گوناگونی دارند که باعث می‌شود سرعت یادگیری متفاوتی داشته باشند. به همین جهت تنها یک معلم صبور می‌تواند در مقابل سؤال‌های متفاوت این دانش‌آموزان رفتاری مناسب و بجا از خود نشان دهد و در مقابل بی‌نظمی دانش‌آموزان، که عمدتاً به خاطر شرایط سنی آن‌هاست، از کوره در نرود

جعفر درّی: از چه راه‌هایی می‌توان فرهنگ مطالعه

منابع تخصصی بین دبیران را اشاعه داد؟

همان‌گونه که در پاسخ به یکی از سؤالات شما عرض کردم ارائه مطالب مطرح شده در این منابع در مجله به‌گونه‌ای که دبیران به این باور برسند که مطالب مطرح شده در این کتب می‌توانند مستقیماً در امر تدریس در کلاس مؤثر واقع شوند قطعاً می‌تواند دبیران را علاقه‌مند کند تا به مطالعه مطالب بیشتر از این کتب بپردازند.

جعفر درّی: آیا در زمینه آموزش و یادگیری تألیفاتی داشته‌اید؟

بله. در حوزه کتب کمک آموزشی برای دانش‌آموزان کتاب‌هایی تحت عنوان English Town و بسته‌های آموزشی نرم‌افزاری تحت عنوان English On Target و همچنین کتاب‌هایی برای داوطلبان مقطع ارشد آموزش زبان تحت عنوان Essential Topics For MA Exam In TEFL و Essential Topics For MA Exam In TEFL با عنوان تافل دکتری و کتاب Vital Words 1500 و Vital Words 1500 Live و Idioms و چند کتاب دیگر در حوزه رسم‌الخط انگلیسی و پاسخ تشریحی سؤالات ارشد آموزش زبان را به رشته تحریر درآورده‌ام.

جعفر درّی: چه توصیه‌ای برای بهبود آموزش زبان کشور دارید؟

ایجاد انگیزه در دبیران به‌عنوان نیروی به حرکت درآورنده آموزش و پرورش از طریق فراهم آوردن امکانات اقتصادی، فراهم نمودن زمینه‌های ادامه تحصیل در رشته‌های مرتبط با آموزش، کاهش تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌ها، اختیاری کردن یادگیری زبان‌های خارجی، فراهم کردن زمینه‌هایی که دانش‌آموزان حس کنند آنچه یاد می‌گیرند در خارج از کلاس به دردشان می‌خورد، تجهیز مدارس به نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای آموزش زبان، بهبود کتب درسی و تخصیص وقت بیشتر به آموزش زبان.

جعفر درّی: نظرتان راجع به برنامه درسی جدید چیست؟ نقاط قوت و ضعف کدامند؟

برنامه درسی زبان انگلیسی جدید از آن جهت که تلاش کرده تا با تکیه بر نظریه‌های جدید و تأکید بر چهار مهارت زبانی به دانش‌آموزان برقراری ارتباط با ملل دیگر را بیاموزد قابل تقدیر است. اما نکات مبهمی از جمله سطح کتب براساس سطوح ششگانه CEFR، پایین بودن پتانسیل یادگیری برخی از کلمات توسط دانش‌آموزان، و اینکه آیا محتوای کتب می‌تواند فراگیران را به هدف نهایی و سطح مشخص شده در برنامه درسی برساند یا خیر بنده را بر آن داشت تا اقدام به بررسی محتوای کتاب نمایم و نتایج را در قالب مقاله‌ای تحت عنوان English For Schools: Reverse Engineering and CEFR Benchmarking آماده کنم که امیدوارم این فرصت حاصل شود تا پس از انتشار کامل کتاب‌های زبان تا پایه

دوازدهم و پایان مقاله در این مجله یا مجلات دیگری آن را به چاپ برسانم. اشاره به نتایج بررسی انجام شده پاسخ بنده به سؤال شما خواهد بود.

از آنجا که مؤلفین کتب جدید در سخنرانی‌ها و جلسات توجیهی دبیران و مقالات منتشر شده اعلام کرده بودند که کتاب‌های درسی براساس چارچوب اروپایی مشترک مرجع یا همان CEFR و نظریه‌های ارتباطی تألیف شده‌اند و از سوی دیگر مشخص نبود که در دوره اول متوسطه که بنده در آن تدریس می‌کنم و بعداً در دوره دوم متوسطه سطح زبانی دانش‌آموزان به کجا در شش سطح مشخص شده در CEFR که عبارتند از A1, A2, B1, B2, C1, C2 خواهد رسید تصمیم گرفتم تا با تحلیل و سنجش محتوای کتاب در سه حوزه واژگان، دستور و نقش‌های زبانی کتب را مورد بررسی قرار دهم. البته ذکر این نکته لازم است که در برنامه درسی زبان، هدف از شش سال آموزش زبان رساندن دانش‌آموزان به سطح متوسط یا همان B1 عنوان شده بود. لذا با توسل به معیارهای بین‌المللی پذیرفته شده، محتوای کتب را مورد بررسی قرار دادم. به این منظور از پایگاه اطلاعاتی بسیار عظیم و گسترده englishprofile.org که زیر نظر دانشگاه کمبریج اداره می‌شود و تمامی کلمات و نکات دستوری مورد نیاز هر سطح از CEFR در آن مشخص شده و همچنین از فهرست واژگانی منتشر شده توسط Brit- ish Council تحت عنوان Word Family Framework که فهرستی است متشکل از ۲۲۰۰۰ واژه زبان انگلیسی که در آن سطوح مختلف این واژگان در شش سطح CEFR مشخص شده استفاده کردم. برای بررسی اینکه از نظر ایفای نقش‌های

زبانی و چهار مهارت، دانش‌آموزان به چه سطحی می‌رسند از چک لیست‌های منتشر شده توسط «شورای آمریکایی آموزش زبان‌های خارجی» یا همان ACTFL استفاده شد که مشخص می‌کنند یک فرد در چهار مهارت زبانی در دنیای واقعی قادر به انجام چه کاری می‌باشد و در ۱۱ سطح به توصیف این قابلیت‌ها پرداخته است که معادل این سطوح با سطوح ششگانه CEFR نیز کاملاً مشخص است. همچنین ساعت‌های مورد نیاز برای ارتقا از سطحی به سطح دیگر که توسط «انجمن آزمون‌گیرندگان اروپا» یا همان ALTE به‌عنوان ساعت‌های مورد نیاز آموزش مشخص شده مورد استناد قرار گرفت. برای اینکه مشخص شود در هر سطح دانش‌آموزان چه تعداد و چه نوع لغاتی را باید فرا گرفته باشند از فهرست‌های منتشر شده توسط دانشگاه کمبریج و کتب و مطالعات منتشر شده در این خصوص استفاده شد.

ابتدا پردازیم به واژگان. براساس منابع مذکور، برای رسیدن به سطح B1 که آزمون PET دانشگاه کمبریج در آن سطح است فراگیران باید بین ۲۷۵۰ تا ۳۲۵۰ واژه را بیاموزند که از این میان تعداد واژگان ارائه‌شده در سه سال دوره اول ۱۲۲۲ واژه است. البته با احتساب کلماتی مانند eardrum, drafts, man, intonation, affirmative, contraction, function و تمامی کلمات که در عناوین تمرین‌ها و متن‌های کتاب کار و فایل‌های صوتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، همان‌گونه که جداول مورد استناد نشان می‌دهند برای سطح A1 دانش‌آموزان باید حدود ۱۵۰۰ واژه فرا بگیرند. از سوی دیگر کلماتی مانند commemorate, employee, environment, location, raise و غیره وجود دارند که در سطح B1 هستند و قاعدتاً



نباید در کتاب‌های prospect مطرح می‌شدند. از سوی دیگر جای کلماتی مانند behind, front, married, rich, ready و غیره که در سطوح A1, A2 هستند در کتاب‌های Prospect خالی است.

گرامر مطرح شده در کتب سه سال اول نیز با استناد به اطلاعات مطرح شده در سایت englishprofile.org ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که در سطح A1 و A2 به ترتیب حدود ۵۷ و ۹۹ ساختار باید فراگرفته شود. ساختارها و نکات گرامری مطرح شده در کتاب‌های Prospect حاکی از آن است که در سطوح A1 و A2 به ترتیب ۱۴ و ۷۷ ساختار گرامری در کتاب‌های Prospect ارائه نشده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که در سایت englishprofile.org تمامی ساختارهای مورد استفاده در انگلیسی در ۱۹ طبقه اصلی مانند «صفات، افعال، زمان‌ها، سوالات، منفی کردن، شبه جملات، قیدها» و غیره مشخص شده‌اند که هر یک نیز شامل چندین زیرطبقه است. مثلاً در بخش صفات زیرمجموعه «محل قرارگیری آن‌ها، ترکیب آن‌ها، مقایسه صفات» و غیره گنجانده شده و برای تمامی ۱۹ گروه اصلی تمامی زیرمجموعه‌های مرتبط با هر شش سطح به دقت با مثال مشخص گردیده است. لذا مبنای اعداد ارائه شده در این بررسی در خصوص ساختارها، این ۱۹ طبقه اصلی و تمامی زیرمجموعه‌های مرتبط با آن‌ها بوده است. در کتاب‌های Vision 1 و Vision 2 نیز به ترتیب ۳۰۷ و ۳۵۸ واژه جدید ارائه شده که پس از ۵ سال به دانش‌آموزان در حدود ۱۸۰۰ واژه آموزش داده می‌شود که از نظر واژگانی تقریباً در سطح A2 قرار می‌گیرند. برای رسیدن به سطح B1 دانش‌آموزان نیاز به یادگیری حدوداً ۱۰۰۰ واژه دیگر دارند که بعید به نظر می‌رسد در Vision 3 بتوان به این همه لغات جدید پرداخت. با توجه به ساختارهای گرامری محدود ارائه شده در کتاب‌های دهم و یازدهم نیز قطعاً در حوزه گرامر پس از شش سال نمی‌توانند فراتر از A1+ پیشرفت کنند البته ممکن است چندین ساختار محدود در سطح B1 در کتاب Vision 2 ارائه شود.

نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که سه کتاب Prospect دانش‌آموزان را تقریباً به سطح A1 می‌رسانند هر چند برخی از ساختارهای سطح A1 نیز وجود دارند که باید در سال‌های بعد در کتاب‌های Vision آموزش داده شوند. از سوی دیگر تعداد اندکی از ساختارهای سطح A2 آموزش داده شده‌اند. در خصوص واژگان، از نظر کمی در حدود ۳۰۰ واژه دیگر باید توسط کتب آموزش داده شوند تا دانش‌آموزان از نظر لغات مورد نیاز به سطح A1 برسند. هر چند در خصوص نوع واژگان ارائه شده در کتب Prospect نیز سخن بسیار است.

در بخش مربوط به حوزه برقراری ارتباط و مهارت‌های چهارگانه، با استفاده از چک‌لیست‌های مذکور و نظرسنجی از همکاران بر همین اساس، مشخص گردید که در بخش مربوط

به تعامل بین فردی (Interpersonal Communication) پس از سه سال دوره اول دبیرستان دانش‌آموزان در سطح A1 خواهند بود. همچنین در حوزه چهار مهارت نیز برای مهارت‌های تولیدی (Productive) یعنی «صحبت کردن» و «نوشتن» به سطح A1، و در مهارت‌های دریافتی (Receptive) یعنی «گوش دادن» و «خواندن» نیز به سطح A1+ خواهند رسید. بررسی در خصوص سطح مهارت‌ها برای کتاب‌های Vision در حال انجام است.

در خصوص ساعات مورد نیاز برای ارتقا به هر یک از سطوح شش‌گانه برای سطوح A1 حداقل نیاز به ۹۰ ساعت و برای سطح A2 نیاز به ۱۸۰ ساعت آموزش وجود دارد. حال با در نظر گرفتن هفت ماه آموزش (در مجموع یک‌ماه در امتحانات ترم اول و نوروز مدارس به آموزش نمی‌پردازند) و یک جلسه ۸۰ دقیقه‌ای در هفته برای درس زبان در سه سال اول آن هم به‌طور ناپویسته مجموعاً ۱۱۴ ساعت آموزش زبان خواهیم داشت. از سوی دیگر در دوره دوم با احتساب ۱۲۰ دقیقه در هفته برای کتاب‌های Vision مجموعاً ۱۶۸ ساعت آموزش زبان خواهد بود که این امر حاکی از آن است که از نظر ساعات آموزش نیز برای رسیدن به سطح A2 ما دچار مشکل خواهیم بود.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که در خوشبینانه‌ترین حالت دانش‌آموزان به حد نمره ۴ آزمون IELTS خواهند رسید که به هیچ‌وجه آن‌ها را برای خواندن و درک مناسب کتب و مقالات به زبان انگلیسی آماده نخواهد کرد و ما نیز به اهداف تعیین شده در برنامه درسی و سند تحول نمی‌رسیم.

جعفر درّی: آیا فکری کنید تغییری در نظام ارزشیابی فعلی نیاز است؟

قطعاً ما باید از ارزیابی کمی نمره‌مدار به سمت ارزشیابی کیفی، که در آن کاملاً مشخص است هر فرد در چه سطحی از توانش زبانی قرار دارد، حرکت کنیم؛ و این امر مستلزم آموزش دقیق دبیران و مدیران است. از سوی دیگر ارزشیابی در سطوح مثل کنکور اگر به سرعت و دقت متناسب با برنامه درسی تغییر نکند به شکلی که مهارت‌های شنیداری و گفتاری نیز سنجش نشوند با توجه به «تأثیر آزمون بر آموزش» قطعاً آموزش در مدارس به سمت آموزش گرامر و واژگان مانند گذشته خواهد رفت. لذا به‌نظر می‌رسد طراحی آزمون‌های براساس وب و تهیه بانک جامع آزمون و تربیت آزمون‌گیرندگانی که در سطحی به گسترده‌گی کشور بتوانند آزمون گفتاری برگزار کنند از ضرورت‌های تدریس و ارزیابی در برنامه درسی جدید است که تأکیدش بر چهار مهارت زبانی است. همچنین ما نیاز به یک عزم ملی داریم تا آزمون‌هایی طراحی کنیم که مانند آزمون‌های بین‌المللی مانند تافل مهارت‌های زبانی را به شکل ترکیبی ارزیابی نمایند. از سوی دیگر توجه بیشتر بر ارزشیابی مستمر است که بهتر می‌تواند دانش‌آموزان را بسنجد.